

تحلیل، تاریخ‌گذاری و معناشناسی سنگ‌قبور نوع گهواره‌ای بوکان

اسماعیل معروفی اقدم/ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.*
esmaeel.maroufi@gmail.com

کریم حاجی‌زاده/ دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲

چکیده

در سنگ‌قبور دوران اسلامی ایران، حجم یا فرم‌های زیادی مورد استفاده قرار گرفته که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، سنگ‌قبرهای گهواره‌ای شکل می‌باشند. شهرستان بوکان در جنوب استان آذربایجان غربی نیز، از نقاطی است که در آن علاوه بر فرم‌های دیگر سنگ‌قبور دوران اسلامی ایران، سنگ‌قبر فرم گهواره‌ای شکل نیز هر چند به صورت خیلی کم، در برخی از گورستان‌های آن یافت می‌گردد. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و تاریخی و بر اساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به دنبال معرفی و تحلیل سنگ‌قبرهای نوع گهواره‌ای منطقه مذکور و تطبیق آن با نمونه‌های دیگر موجود در سایر گورستان‌های ایران و در نهایت تاریخ‌گذاری آن‌ها بوده است. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که سنگ‌قبرهای نوع گهواره‌ای در شهرستان بوکان، در دو گورستان گرد قبران و گورستان چاورچین (سنگ‌قبرهای موجود در مقبره سردار) شناسایی شده است. این سنگ‌قبور، از منظر حجم‌شناسی، ویژگی‌های ساختاری و همچنین نقوش تزئینی، قابل مقایسه با سنگ‌قبرها و تزئینات معماری بناهای متعلق به عصر ایلخانان در سایر نواحی، خصوصاً در منطقه آذربایجان هستند و فرم کلی آن‌ها که بسان گهواره‌ای می‌ماند؛ معانی‌ای همچون عروج، صعود به آسمان، هدایت‌گر روح، آرامش، رهایی از دنیای فانی و رسیدن به کمال را می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: دوران اسلامی، ایران، سنگ‌قبور گهواره‌ای، بوکان، تاریخ‌گذاری.

مقدمه

یکی از موضوعات بنیادینی که از آغاز هستی تا به امروز ذهن انسان را به خود مشغول کرده است، مرگ و جهان پس از آن است. مرگ، قطعی‌ترین رویداد زندگی انسان و نقطه پایانی این فرآیند است (Taylor, 2002: 12) و این قطعیت همراه با عدم شناخت از رویدادهای پس از آن، مرگ را در ذهن بشر، اسرارآمیز و ترسناک کرده است. انسان همواره از مرگ هراس داشته و به دلیل ماهیت غیرقابل شناخت، آن را تقدیس کرده یا از آن ابراز نفرت کرده‌اند. در طول تاریخ، جوامع انسانی شیوه‌ها و گونه‌های مختلفی را به منظور تدفین مردگان خود به کار برده‌اند. این امر نشان از نیاز جوامع انسانی به خلق مفهومی در پس مرگ و بازتاب آن در جایی است که مردگان خود را در آن دفن کرده است. مرگ، نه تنها شکل‌دهنده بخشی از مناظر پیرامون ماست، بلکه به تعبیر هاوارد کالوین، آغازگر معماری در مغرب زمین است. به طور کلی میل به جاودانگی در انسان از گذشته‌های دور وجود داشته است. اعتقاد به این که مرگ تولدی دوباره برای اوست و از جهانی به جهان دیگر نقل مکان می‌کند، واکنش‌های متفاوتی را به وجود آورده که ریشه در بسترهای اجتماعی و تاریخی دوران او داشته است. نمونه‌های این جریان‌های فکری را در آیین‌ها، مراسم، نمادها و اسطوره‌ها و... می‌توان یافت و جلوه‌های بصری آن را در مجسمه‌ها، نقاشی‌ها، کتیبه‌نگاری‌ها و نیز به طور خاص در سنگ مزارها می‌توان مشاهده کرد. بر این اساس، تا حدودی می‌توان علت قرار دادن سنگ بر روی گور و چگونگی شکل‌گیری سنگ قبور یا سنگ مزارها را دریافت.

هنر حجاری بر سنگ قبر از جمله هنرهای مظلومی است که شاید به دلیل همسایگی با داستان مرگ، کمتر کسی سری به سرای آن می‌زند. قبرستان‌های قدیمی در طول سال‌ها یکی پس از دیگری نابود شده و آنچه هم که باقی مانده، مورد کم‌لطفی مردم قرار می‌گیرند. چه بسا همین سنگ قبرها و نقش‌هایی که بر روی آن‌ها پهن شده‌اند، تنها سندهای تاریخی و توده‌شناسی باشند که بتواند در شناخت بیشتر فرهنگ‌های گذشته کمک شایانی انجام دهند. به طور کلی حاصل توجه به مرگ،

آخرت و جاودانگی، سنگ مزارهای زیادی را سبب گشته که هر کدام از این دسته از آثار، نقش مهمی را در شناسایی و مطالعه جوامع در بعدها تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... ایفا می‌کنند. سنگ قبور گورستان‌ها آثاری مکتوب از دوران خود به‌شمار می‌روند و شاید بتوان عنوان کرد که مهم‌ترین نقش را در شناسایی جامعه آن دوران، حداقل در بعد مذهبی و جریان‌ات فکری، اعتقادی و باورها به‌عهده دارند. این پژوهش در راستای شناسایی گورستان‌ها و سنگ قبور موجود در شهرستان بوکان به‌انجام رسیده و هدف از آن شناسایی سنگ قبور نوع گهواره‌ای شکل در این مزارات است. در ضمن بررسی‌های منطقه‌ای صورت گرفته، تنها دو گورستان دارای سنگ قبور نوع گهواره‌ای بوده که در مجموع، این سنگ قبرها شامل سه عدد هستند که برخلاف تعداد کم آن‌ها، تاریخ و فرهنگی بس طولانی بر چهره رمزآلود آن‌ها نقش بسته است. در این ارتباط، نگارندگان اهداف زیر را در پیش روی خود می‌بینند:

۱. معرفی و شناسایی گورستان‌های حاوی سنگ قبور نوع گهواره‌ای در بوکان
۲. بررسی و تحلیل سنگ قبور نوع گهواره‌ای بوکان و مقایسه آن با نمونه‌های

مشابه مذکور در ایران

۳. تاریخ‌گذاری سنگ قبرهای نوع گهواره‌ای بوکان

ضرورت و اهمیت پژوهش

وجود گورستان‌ها و قرارگیری سنگ مزارات بی‌نظیر بر روی قبور اسلامی در سایر نقاط این مرز و بوم، لزوم توجه بیشتر و انجام بررسی‌ها و مطالعات زیادی را می‌طلبد که متأسفانه تا به امروز در ارتباط با سنگ قبور و گورستان‌های دوره اسلامی و حتی خود محوطه‌های استقرار این دوره، تلاش جدی و پژوهش جامع و کاملی صورت نگرفته است.

مواد و روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو به‌شیوه توصیفی - تحلیلی و تاریخی بوده و گردآوری یافته‌های

آن بر اساس پژوهش‌های میدانی (شامل بازدید از گورستان‌ها و سنگ‌قبور آن، تهیه طرح و عکس، یادداشت‌برداری و...) و مطالعات کتابخانه‌ای است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با سنگ‌قبور و گورستان‌های متعلق به ادوار اسلامی در ایران، چندین پژوهش به صورت پراکنده و منطقه‌ای صورت پذیرفته که از آن جمله می‌توان به کتاب «سنگ‌مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد» نوشته اسدالله معطوفی (۱۳۸۷)، کتاب «سنگ‌قبر» نوشته پرویز تناولی (۱۳۸۷)، کتاب «سنگ‌قبور استان کهگلویه و بویراحمد» نوشته عبدالرسول شریفی و پیمان نعمتی، کتاب «تخت فولاد: یادمان تاریخی اصفهان» نوشته گیلان فقیه میرزایی و زهرا حبیبی (۱۳۸۴)، کتاب «گورنگاره‌های لرستان» نوشته علیرضا فرزین (۱۳۸۴)، پایان‌نامه خانم ساغر حمیدی کجوری تحت عنوان «بررسی و مطالعه سنگ‌های تاریخی تخت فولاد» در دانشگاه هنر اصفهان (۱۳۷۱)، پایان‌نامه کارشناسی پدram خسرونژاد تحت عنوان «بررسی سنگ‌مزارهای ایل بختیاری» در دانشگاه هنر تهران (۱۳۷۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پدram خسرونژاد تحت عنوان «زبان نقش و سنگ‌مزار (کندوکاو پیرامون نقش و شکل در سنگ‌مزار)» در دانشگاه آزاد تهران (۱۳۷۷)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهدی میری تحت عنوان «بررسی و مطالعه سنگ‌مزارهای شرق خراسان» در دانشگاه تهران (۱۳۷۷)، پایان‌نامه کارشناسی زهره غضنفری تحت عنوان «بررسی عناصر تصویری در سنگ‌قبرهای لرستان» در دانشگاه تهران (۱۳۸۵)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مریم افقهی تحت عنوان «بررسی نگاره‌های سنگ‌مقابر دوره صفویه (با تأکید بر پایتخت‌های این دوره)» در دانشگاه الزهرا (۱۳۸۷)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتضی حسینی خاچک تحت عنوان «بررسی و مطالعه نقوش سنگ‌مزارهای گورستان سفید چاه گلوگاه بهشهر» در دانشگاه آزاد تهران (۱۳۹۲)، مقاله «آثار سنگی گورستان ارامنه تبریز» نوشته محمدباقر کبیرصابر (۱۳۹۱) و چندین اثر دیگر اشاره کرد. همچنین می‌توان مسافران، سیاحان، مکتشفان و افسران سیاسی مانند: راولینسن

(۱۸۳۷-۱۸۳۹)؛ دوبد (۱۸۴۵)؛ استارک (۱۹۳۲)؛ فیلبرگ (۱۹۳۵) را نیز نام برد که از مناطق ایران عبور کرده و در سفرنامه‌های خود به طور ضمنی به گورستان‌ها، سنگ گورها و آیین‌های سوگواری اشاراتی داشته و در نهایت پژوهش‌گرانی که بررسی‌های مختصری در این باب نوشته‌اند. مانند: آیلرز (۱۹۵۹)؛ ملدگارد (۱۹۶۴)؛ گاف (۱۹۷۰-۷۱)؛ واندن برگ (۱۹۷۲)؛ پورکریم (۱۹۷۴) و مشاهدات کرزن، موریه، لایارد، خانم بیشاب، کارنگ (۱۳۷۴) و

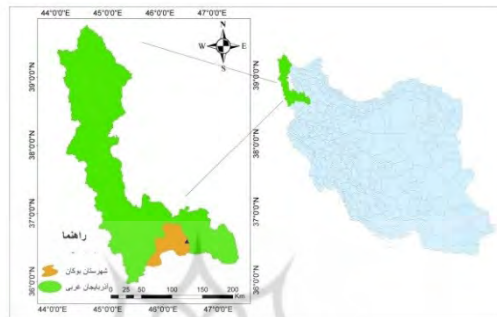
در میان سایر پژوهش‌های صورت گرفته، تنها مقاله‌ای که به سنگ قبرهای نوع گهواره‌ای پرداخته، مقاله «سنگ‌های مزار نمودی از وحدت مذاهب مختلف اسلامی در ایران» نوشته سید مهدی موسوی کوهپیر و دیگران (۱۳۹۴) می‌باشد که به شناسایی این گروه از سنگ قبرها و گونه‌شناسی آن‌ها اشاره‌ای هرچند مختصر داشته است. در نهایت، باید عنوان نمود که به‌طور کلی پژوهشی که به‌طور اخص، به مطالعه سنگ قبور نوع گهواره‌ای پرداخته و به دنبال معناشناختی این گروه از سنگ قبرها باشد، تا به امروز صورت نپذیرفته و این مقاله، نقطه عطفی در بررسی سنگ قبرهای نوع گهواره‌ای، خصوصاً نمونه‌های مورد مطالعه در منطقه مورد مطالعه می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی شهرستان بوکان

شهر بوکان دارای یک واحد جغرافیایی، شامل حوضه آبریز جنوبی دریاچه ارومیه است. این شهر، از توابع استان آذربایجان غربی است که در ۴۶ درجه و ۱۱ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۱۳ دقیقه و ۳۶ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی و در ارتفاع متوسط ۱۳۴۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است (شکل ۱). بوکان در جنوب استان واقع گشته و از شمال به شهرستان‌های میاندوآب و مهاباد، از غرب به شهرستان‌های مهاباد و سردشت، از جنوب به شهرستان سقز و از شرق به شهرستان شاهین دژ منتهی می‌شود (سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۶: ۳) که تمامی این نواحی جزو ناحیه موکریان باستان به‌شمار می‌روند. نام موکریان از آغاز سده هشتم هجری قمری (چهاردهم میلادی) به‌طور وسیعی در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی

آمده است (روژبیانی، ۱۳۸۱: ۳۱). موکریان بر بخش‌هایی از شمال و شمال غرب استان کردستان و جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی منطبق است، که با عنوان کردستان شمالی خوانده می‌شود (محمودی، ۱۳۷۵). این منطقه شهرستان‌های سردشت، پیرانشهر و بانه (در حوضه آبریز رودخانه زاب) و شهرستان‌های مهاباد، نرده، اشنویه، بوکان و سقز (در حوضه آبریز دریاچه ارومیه) را در بر می‌گیرد (خضری، ۱۳۷۹: ۵). اخیراً نقشه موکریان از سوی انستیتوی کرد در استکهلم ارائه گردیده که نقشه‌ای سیاسی - دموگرافیکی و دارای توضیحات اداری - سیاسی و جمعیتی درباره موکریان است. بر اساس نقشه اخیر، مساحت موکریان ۱۷۹۴۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن بر اساس آمارگیری رسمی ایران ۱۲۴۰۲۱۹ نفر است و شهرستان‌های اشنویه، نرده، پیرانشهر، سردشت، مهاباد، بوکان، شاهین دژ، تکاب، میان‌دوآب و بخش کوچکی از شمال سقز در حیطه موکریان قرار دارند (Chookali, 2007). بوکان بعد از شهر ارومیه و شهر خوی، سومین شهر پرجمعیت استان آذربایجان غربی به‌شمار می‌آید. شهرستان بوکان طی چندین دهه اخیر علاوه بر افزایش چشم‌گیر از نظر جمعیت، به لحاظ توسعه فضایی - کالبدی نیز تغییرات و توسعه فراوانی یافته است. رشد این شهر به‌صورت خطی در محور اصلی و به‌صورت شمالی - جنوبی در امتداد رودخانه سیمینه اتفاق افتاده، به‌طوری که مساحت آن در سال ۱۳۴۵ از ۷۱/۵ هکتار به ۱۷۷۷/۲۶ هکتار در سال ۱۳۸۵ رسیده است. با توجه به نقشه پهنه‌بندی اقلیمی ایران، شهرستان بوکان در گروه اقلیمی ۲، یعنی اقلیم سرد و کوهستانی قرار گرفته است؛ بنابراین فرم بافت تاریخی آن و شکل ظاهری کوچه‌ها و معابر و همچنین ساختمان‌های باقی مانده از این بافت، به میزان قابل توجهی تحت تأثیر شرایط اقلیمی و جغرافیایی حاکم بر منطقه بوده است. بوکان دارای زمستان‌های سرد و پر برف و طولانی بوده که گاهی از اواخر آبان ماه شروع می‌شود و تا اواسط فروردین ماه ادامه می‌یابد. تابستان‌ها نیز در این شهر نسبتاً گرم است. طی دهه‌های اخیر عوامل مختلفی از جمله موقعیت شهر، افزایش جمعیت شهری، عوامل ارتباطی و موقعیت ناحیه‌ای و منطقه‌ای در توسعه و الگوی کالبدی شهر بوکان تأثیر داشته است (رهنما و معروفی، ۱۳۹۳: ۱۳۱). اهمیت

موقعیت این شهر در استان آذربایجان غربی به‌مراتب بیش از موقعیت ریاضی آن است. این موقعیت ممتاز به‌دلیل واقع شدن این شهر بر سر راه شهرهای مهم منطقه غرب کشور مانند تبریز، زنجان، ارومیه و سنندج است (موحد و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۹).



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی و شهرستان بوکان با استفاده از نرم افزار ARC GIS (مأخذ: نگارندگان)

سنگ‌قبور نوع گهواره‌ای در ایران

در سنگ‌قبرهای موجود در گورستان‌های دوران اسلامی ایران، احجام یا فرم‌های زیادی به‌کار گرفته شده که از آن جمله می‌توان به سنگ‌قبور محرابی شکل، سنگ‌قبور صندوقی، سنگ‌قبور افراشته، قوچ‌سنگی، شیرسنگی، اسب‌سنگی، سنگ‌قبور گهواره‌ای، ساده و... اشاره کرد. اشکال و فرم‌های به‌کار رفته در سنگ‌قبور دوران اسلامی ایران و حتی نقوش به‌کار رفته در این‌گونه از دست‌ساخته‌ها، با توجه به ارتباط آن با مرگ و آخرت، تمامی آن‌ها دارای مفاهیم کم و بیش مشترکی و در عین حال متنوعی هستند که به‌نوعی بازگوکننده باورها و اعتقادات ایرانی-اسلامی است. در میان سایر فرم‌ها، سنگ‌قبرهای گهواره‌ای از نظر معماری و ساختاری جالب توجه و بی‌نظیرند. سنگ‌مزارات گهواره‌ای شکل به سنگ‌قבורی اطلاق می‌گردد که از نظر شکل ظاهری، علی‌رغم اختلافات جزئی در آن‌ها، به‌سان یک گهواره بوده

که از دو قسمت بدنه زیرین و برجستگی فوقانی تشکیل شده است. این نوع سنگ قبور، از جمله متداول ترین نوع سنگ قبرهای موجود در گورستان‌های دوره اسلامی ایران و مناطق هم‌جوار است که در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل، زنجان، گلستان، فارس، لرستان، کردستان و... یافت می‌شوند. گستردگی حوزه پراکنش، کتیبه‌ها و نقوش موجود بر روی این دسته از سنگ قبور، بیان‌گر آن است که آن‌ها تنها به یک حوزه جغرافیایی، دوره سیاسی یا مذهب خاص تعلق نداشته‌اند. سنگ قبرهای نوع گهواره‌ای بیشتر در گورستان‌های ادوار اسلامی در مناطق شمال غرب ایران بیشتر به چشم می‌خورد و هر چه به نواحی جنوب و جنوب شرقی ایران نزدیک‌تر می‌شویم، از درصد این دسته از سنگ قبرها کاسته می‌شود. در ارتباط با سنگ قبور گهواره‌ای از لابه‌لای گزارشات و کتب مختلف می‌توان نمونه‌هایی را که به‌طور خلاصه بدان‌ها اشاره شده است، بیرون کشید. از آن جمله می‌توان به صندوق قبر چوبی با برجستگی فوقانی موجود در سمت راست ورودی آرامگاه محیی الدین محمد در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (یوسفی، ۱۳۸۹: ۲۵۵)، دو نمونه سنگ قبر در قبرستان امامزاده عقیل شهر حسن‌آباد از توابع بیجار (نیکزاد و کناری، ۱۳۸۴: ۳۸۴)؛ سه نمونه در شهرستان گرگان، موجود در موزه سنگ (رجایی عبوی و وفایی، ۱۳۸۸: ۳۱)، سه نمونه از شهرستان کازرون فارس (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۷۳: ۱۲۰)، نمونه‌های متنوع در لرستان و در گورستان‌های الشتر همچون گورستان گرکو، پیرمحمدشاه، جوانمرد، بتکی و همچنین در گورستان روستای بایه خرم‌آباد (فرزین، ۱۳۸۴: ۹۳ و داوودی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۴)، سنگ قبور محوطه سنگ شیر همدان (آذرنوش، ۱۳۵۳) اشاره کرد (موسوی کوهپیر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۶). علاوه بر موارد مذکور، از جمله مهم‌ترین گورستان‌ها و محوطه‌هایی که در آن‌ها سنگ قبور نوع گهواره‌ای قرار دارد می‌توان به گورستان روستای امیرآباد شهرستان کوثر، گورستان روستای انار مشکین شهر، گورستان روستای سوسه‌هاب شهر هشجین بخش خلخال اردبیل، گورستان روستای پیرنق نیر، گورستان امامزاده اسحاق هریس، سنگ قبور روستای خانقاه هریس، گورستان روستای کیوج شهرستان مهربان آذربایجان

شرقی، گورستان‌های شهرستان هریس تبریز، سنگ قبور موجود در موزه تبریز و تخت سلیمان، سنگ قبر مزار اوحدی مراغه‌ای، سنگ قبور گهواره‌ای روستاهای امیر و آغ‌کند مراغه، سنگ قبور موزه مراغه، گورستان چاورچین شهرستان بوکان، گورستان آغ‌بلاق میاندوآب، گورستان قره‌بلاغ تکاب، گورستان امام‌زاده عقیل زنجان، سنگ قبور موزه فلک‌الافلاک لرستان، گورستان روستای گاوکشک کازرون و... اشاره کرد. سنگ قبور نوع گهواره‌ای دارای اشکال مختلفی بوده که دکتر موسوی کوهپیر و همکارانشان در مقاله‌ای این دسته از سنگ قبرها را به چهار گروه سنگ قبور گهواره‌ای نوع استامپی مطبق، سنگ قبور گهواره‌ای نوع صندوقی، سنگ قبور گهواره‌ای نوع تخت، سنگ قبرهای دورچین سنگی به شکل گهواره‌ای تقسیم نموده‌اند که در برخی از جزئیات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به‌لحاظ کتیبه‌نویسی، این دسته از سنگ قبور اکثراً ساده بوده و تنها بر روی تعداد محدودی از آن‌ها کتیبه‌هایی حاوی دوره تاریخی و زمان ساخت آن‌ها قرار دارد. از آن جمله سه سنگ قبر گهواره‌ای موجود در استان گلستان متعلق به سال‌های ۱۰۳۸-۸۹۵ و قرون ده و یازده هجری، سنگ قبر آرامگاه محی‌الدین محمد در بقعه شیخ صفی به تاریخ ۷۵۳ هجری، سنگ قبور روستای گاوکشک با تواریخ ۶۷۷، ۶۸۷ و ۷۰۷ و سنگ قبر موجود در موزه فلک‌الافلاک با تاریخ ۵۵۰ هجری قمری (موسوی کوهپیر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۸). با توجه به موارد تاریخ‌دار بالا می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از فرم گهواره‌ای در سنگ قبور، از دوره سلجوقی تا دوره صفوی تداوم داشته است.

معناشناسی سنگ قبور نوع گهواره‌ای

باید در نظر داشت که باورهای قومی همیشگی به شیوه افسانه، روایت و یا تصویرسازی، بیان و از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شدند. گاهی هنرمندان با خلق آثار حجمی چون بناهایی با ویژگی‌های خاص به این هدف می‌رسیدند. این نوع از بیان، بیانی نمادین است که با شناخت و تسلط بر لایه‌های زیرین آن می‌توان به راز و رمز باورهای آیینی پی برد. نماد، نشانه، اسطوره، باورهای اعتقادی - آیینی و بومی

با پیوندی تنگاتنگ، از مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده فرهنگ و تمدن اقوام باستانی هستند و هویت ملی آن‌ها را نمایان می‌سازند. باورهای آیینی، وسیله تجسم بخشیدن به اعتقادات و اندیشه انسان اسطوره‌ای بود و بناهای مقدس، بر پایه بینشی که از همین باورها نشأت می‌گرفت، ساخته می‌شدند (شمشادی و حسینی دستجردی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). به‌طور کلی در ارتباط با سنگ قبرهای نوع گهواره‌ای نیز باید عنوان نمود که مطالعه و بررسی این آثار حجمی نشان می‌دهد که فرم و تیپیک کلی آن‌ها به دو صورت مطابق یا پلکانی و یا به‌سان یک گهواره نوزاد خودنمایی می‌کند. در ارتباط با شکل پلکانی آن باید گفت که این فرم، در نگاه اول فاصله گرفتن از زمین خاکی و صعود به آسمان را نشان می‌دهند که از این نظر، می‌توان عنوان کرد که دارای همان معانی میل و منار و یا کوه‌ها و زیگورات‌ها هستند. کوه، نماد بلندترین و مرتفع‌ترین نقطه زمین، دارای ارزش‌های رمزی و مذهبی بی‌شمار است. در قدیمی‌ترین افسانه‌های مربوط به آفرینش، نخستین مخلوق جهان هستی و در عقیده ملت‌های ابتدایی، نگهبان و منبع قوای حیات و دارای نیروی تولید است (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۰۶). در اکثر فرهنگ‌ها صعود از کوه - معبد، نماد عبور از یک مرتبه به مرتبه دیگر است و نه تنها موجب دست‌یابی به قداست، بلکه مسیر عروج روح از دنیا به آسمان، بریدن از تعلقات دنیوی، نشان خضوع و خشوع در برابر خدایان است. از آن‌جا که زیگورات‌ها در واقع نمادی از کوه و ارتفاعات بوده و سنگ قبور پلکانی نیز ملهم از این معماری باشکوه بوده، می‌توان تمامی معانی متعلق به کوه و زیگورات‌ها را برای این دسته از آثار نیز در نظر گرفت. معانی‌ای همچون، عروج به آسمان، دل بریدن از دنیای فانی، صعود به آسمان، رسیدن به وادی ایمن و قداست و... . پلکانی بودن سنگ قبور نیز دارای مفاهیمی قدسی بوده است. از آن جمله در اکثر ادیان و تمدن‌ها، پلکان‌ها واسطه‌ای برای رسیدن به جایگاه کیهانی معابد، وسیله اتصال زمین به آسمان، ملاقات و همنشینی با خدایان، نماد سیر صعودی از خاک به عرش، گذر مرتبه‌ای از عالم جسمانی به عالم روحانی و مجرد معرفی شده است (شمشادی و حسینی دستجردی، ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۱۱).

از طرف دیگر نیز همان‌طور که ذکر گردید، فرم کلی این گروه از سنگ قبرها، در

نگاه اول گهواره یک کودک را در ذهن تداعی می‌کند. در لغت‌نامه دهخدا گهواره به مهد و بستری معرفی گردیده که کودکان را در آن می‌گذارند و به راحتی می‌توان آن را تکان داد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه گهواره). گهواره در میان مردمان باستان نمادی از زندگانی تازه محسوب می‌گردد و می‌توان آن را همانند مهدی در نظر گرفت که هدایت‌گر ارواح مردگان بوده و آنان را به حیات اخروی می‌برد. از طرفی دیگر، گهواره را می‌توان نمادی از دنیای فانی نیز در نظر گرفت که انسان تنها با رهایی از آن به کمال حقیقی دست خواهد یافت (مرادی و قاری، ۱۳۹۶: ۹۵).

طفلی هنوز بسته گهواره فنا مرد آن زمانی شوی که شوی از همه جدا
(کاشانی، ۱۳۶۷: ۱۵)

گورستان‌ها و سنگ قبور مورد مطالعه

الف) سنگ قبور موجود در مقبره سردار

مقبره سردار بوکان در مرکز شهرستان بوکان، در داخل محوطه پارک ملت که در قدیم گورستان شهر بوده، قرار گرفته است. این بنا در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۵ توسط سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی با شماره ۳۸۴۷ به ثبت رسیده است (شادمهر و پازوکی، ۱۳۸۵: ۵۴ و تصویر ۱). کتیبه و تاریخی که حاکی از زمان ساخت مقبره باشد وجود ندارد. با توجه به اطلاعات موجود در کتب و منابع گوناگون و با توجه به سبک معماری مقبره و مقایسه با دیگر مقابر موجود در منطقه و همچنین با نگاه به زندگی‌نامه سردار محمد حسین خان مکرری که مقبره برای او ساخته شده و در آن جا مدفون است، قدمت بنا به دوره قاجاریه برمی‌گردد (معروفی‌اقدم، ۱۳۹۲: ۸۹-۹۰ و بحرینی، ۱۳۸۰: ۱). درون حیاط مقبره سرداران بوکان، دو سنگ قبر زیبا خودنمایی می‌کند که چشم هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌نمایند. این دو سنگ قبر متعلق به قبور موجود درون مقبره نبوده، بلکه از جایی دیگر به این مکان آورده شده‌اند. بنا به گفته اداره میراث فرهنگی بوکان و همچنین مردم و ریش‌سفیدان روستای چاورچین، در سال‌های نه چندان دور، دو

سنگ قبر از گورستان این روستا، توسط میراث دوستان جهت محافظت و جلوگیری از سرقت آن‌ها به مقبره سرداران مگری در داخل شهر انتقال داده شده است (تصویر ۲). این دو سنگ قبر تا دو سال پیش در کنار مقبره قرار داده شده بودند که پس از آن به همت اداره میراث فرهنگی بوکان، جهت امنیت بیشتر آن‌ها به درون مقبره انتقال داده شدند. این دو سنگ قبر از جمله زیباترین سنگ قبور موجود در حومه بوکان هستند که فرم و نقوش تزئینی کنده شده بر روی بدنه آن‌ها و همچنین کتیبه حاوی تاریخ بر روی بدنه یکی از آن‌ها، بر اهمیتشان دو چندان افزوده است. سنگ قبرها به فرم گهواره‌ای هستند و با توجه به این که در کنار قبور سرداران مگری قرار داده شده بودند، مردم بر این باور بودند که این آثار متعلق به قبور سرداران بوده، اما فرم و شکل این سنگ قبرها و همچنین کتیبه موجود بر روی یکی از آن‌ها، دوران بس قدیمی‌تر از عصر قاجار را به تصویر می‌کشد.



تصویر ۱: مقبره سردار بوکان (مأخذ: نگارندگان)

سنگ قبر شماره ۱: این سنگ قبر در قسمت زیرین خود به شکل صندوقی بوده که ادامه سنگ قبر در قسمت فوقانی به صورت پله‌مانند تراش خورده و در نهایت،



تصویر ۲: سنگ قبور گهواره‌ای موجود در حیاط مقبره سردار (مأخذ: نگارندگان)

فرمی شبیه به یک گهواره به خود گرفته است (تصویر ۳). در دو طرف قسمت زیگورات مانند این سنگ قبر، در هر طرف دو قبه قرار گرفته و این سنگ قبر در مجموع چهار قبه در چهار وجه خود دارد. یکی از این قبه‌ها شکسته شده و سه مورد دیگر آن‌ها هنوز سالم باقی مانده است. کل سنگ قبر از یک سنگ یک‌پارچه سفید رنگی تراش خورده است. جنس این سنگ قبر از نوع سنگ‌های آهکی بوده که تراش آن‌ها تا حدودی نسبت به دیگر سنگ‌ها راحت‌تر صورت می‌گیرد. بر روی این سنگ قبر نقوش تزئینی متعددی قرار گرفته است. قسمت صندوقی شکل زیرین سنگ قبر در دو طرف، با نقوش هندسی زیبایی به صورت شش ضلعی‌های متوالی پوشیده شده که از مجموع این شش ضلعی‌ها در کنار یکدیگر و در فضای میانی آن‌ها، تزئینات ستاره‌ای شش پر شکل گرفته است. بر روی بر اصلی سنگ قبر و در کنار این نقوش ستاره‌ای شکلی، درون محرابی حجاری شده بر روی بدنه سنگ قبر، کتیبه‌ای با خطوط کنده ساده، نقر شده که با توجه به این کتیبه، نام شخصی را که سنگ قبر گهواره‌ای برای او ساخته شده و تاریخ وفات وی نیز مشخص می‌گردد (شکل ۲). کتیبه مذکور حاوی متن زیر است: «... ج الی رحمہ اللہ تعالیٰ یوسف بن حاجی بن جمع / فی تاریخ سنۃ اربع و تسعین / وستمائة کل من علیها فان ویبقی / وجه ربک ذو الجلال و الاکرام»

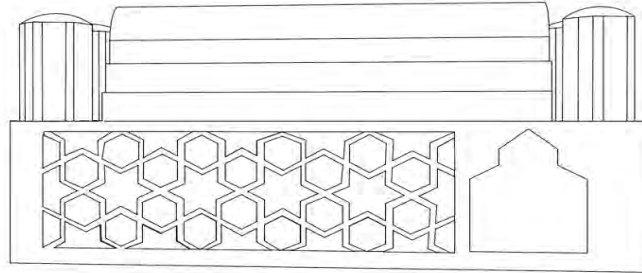
با توجه به قرائت کتیبه نقر شده بر روی سنگ قبر که تاریخ «سنۃ اربع و تسعین و ست مئة» بر روی آن نقش بسته، این سنگ قبر گهواره‌ای موجود به تاریخ ۶۹۴

هجری و دوران ایلخانیان تعلق دارد. این سنگ قبر برای شخصی به نام یوسف فرزند حاجی بن جمع حجاری شده است. با توجه به فرم سنگ قبر و همچنین با توجه به نقوش متنوع و زیبایی قرار گرفته بر روی بدنه آن، به احتمال یوسف بن حاجی از اربابان و خانان محلی بوده و در آن دوران از جایگاه اجتماعی والایی برخوردار بوده است. شاید نیز رسم تراشیدن سنگ قبر به صورت گهواره‌ای و قرار دادن نقوش و تاریخ وفات بر روی آن، از رسومات محلی بوده که تنها این دو سنگ قبر از گزند روزگار جان سالم به‌در برده‌اند. بر روی قسمت بیرونی یا بر خارجی سنگ قبر نیز نقوش هندسی و ستاره‌ای شش‌پر به مانند بر اصلی سنگ قبر، نقش بسته، با این تفاوت که در این وجه، نقش محراب مانند و کتیبه به چشم نمی‌خورد و سراسر با نقوش مذکور پوشیده شده است. علاوه بر این نقوش در دو وجه کناری سنگ قبر گهواره‌ای مذکور نیز نقوشی به چشم می‌خورد. این نقش که شامل ستاره هشت‌پر محاط در درون یک دایره بوده، در دو طرف سنگ قبر به صورت کنده و قرینه هم دیده می‌شود. بر روی چهار گوشه سنگ قبر نیز نقوش هندسی ساده شبیه به تزئینات ستون ماندنی نقش بسته است.



تصویر ۳: سنگ قبر گهواره‌ای شماره ۱ (مأخذ: نگارندگان)

سنگ قبر شماره ۲: این سنگ قبر از ابعاد کوچک‌تری نسبت به سنگ قبر شماره ۱ برخوردار است. سنگ قبر مذکور جدای از پایه یا حاشیه زیرین آن، متشکل از سه پله با ارتفاع‌های متفاوت بوده که هر چه به طبقات فوقانی آن نزدیک‌تر می‌گردد، از ارتفاع



شکل ۲: طرح سنگ قبر شماره ۱ مقبره سردار و نقش تزئینی کنده شده بر روی آن
(مأخذ: نگارندگان)

و حجم آن کاسته می‌شود (تصویر ۴). کل این سنگ قبر نیز از یک سنگ یک پارچه تراش خورده و در نهایت، فرم یا طرحی همانند یک گهواره به خود گرفته است. جنس این سنگ قبر، همانند نمونه شماره ۱ بوده و بدنه آن به رنگ سفید است. سنگ قبر مذکور به نسبت سنگ قبر شماره ۱، ساده‌تر بوده، در این سنگ قبر قبه‌های چهارتایی دو طرف آن دیده نمی‌شود و کتیبه و نقوش ستاره‌ای شکل نیز بر بدنه سنگ قبر حکاکی نشده است. تنها تزئین سنگ قبر شماره دو که بر روی بر اصلی سنگ قبر و دقیقاً در میانه آن ایجاد گشته، نقش یک محراب درون کادری مستطیلی می‌باشد. این محراب کنده‌کاری شده ساده و دارای طاق‌نمای جناغی می‌باشد (تصویر ۵ و شکل ۳).

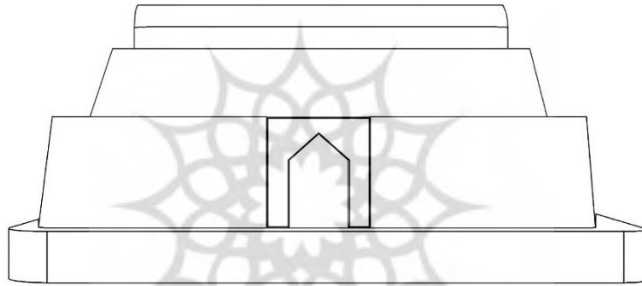


تصویر ۴: سنگ قبر شماره ۲ در مقبره سردار (مأخذ: نگارندگان)

ب. سنگ قبر گهواره‌ای شکل مقبره شیخ احمد کور
یکی از زیباترین سنگ قبرهای موجود در گورستان روستای گرد قبران بوکان،



تصویر ۵: تصویر محراب بر بدنه سنگ قبر شماره ۲ (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۳: طرح سنگ قبر شماره ۲ مقبره سردار و نقش کنده محراب بر روی آن (مأخذ: نگارندگان)

سنگ قبر موجود در داخل مقبره شیخ احمد کور می‌باشد. حضور این سنگ قبر صندوقی دورن مقبره، هیچ گونه سنخیتی با زمان احداث مقبره و تاریخ وفات شیخ احمد کور نداشته، بلکه ویژگی‌ها و طرح کلی این سنگ قبر، نشان از تعلق آن به دوران‌های بسیار قدیمی‌تر از زمان احداث مقبره را دارد (تصویر ۶). این نتیجه‌گیری از طریق مقایسه سنگ قبر با نمونه‌های دیگر موجود در سایر گورستان‌های ایران به راحتی به دست می‌آید. سنگ قبر مقبره شیخ احمد به صورت یک صندوق بوده که در قسمت فوقانی از دو طرف به صورت تاق مانند برش خورده و طرح کلی شبیه به یک گهواره کودک را به خود گرفته است. این سنگ قبر از طول ۸۵ سانتیمتر، ارتفاع ۷۰ سانتیمتر و عرضی در حدود ۲۵ سانتیمتر برخوردار است. بر روی سنگ قبر نقوش

متنوعی قرار گرفته که بخشی از آن به مرور زمان از بین رفته که این ساییدگی و از بین رفتن نقوش نشان از این دارد که این سنگ قبر زمانی بیرون از مقبره بوده و بر اثر گذر زمان و عوامل جوی به این شکل درآمده است (تصویر ۷). یکی از زیباترین نقوش قرار گرفته بر سطح رویی سنگ قبر گهواره‌ای، نقشی شبیه به یک محراب با تزئین مقرنس کاری درون آن می‌باشد. در میانه سنگ قبر، درون کادری مستطیلی، به مانند محراب مساجد و طاق‌نمای برخی از مقابر قدیمی، طرحی به شیوه مقرنس کاری زیبایی در وسط کادر اجرا شده است. در دو طرف این محراب و در قسمت فوقانی آن، دو گل لوتوس محاط درون یک دایره، به صورت ستاره‌های هشت پر نقر شده است (شکل ۴). علاوه بر این نقوش، در دو طرف محراب و مقرنس حجاری شده بر روی سنگ قبر، درون دو دایره، ستاره‌های دوازده ضلعی به صورت قرینه هم به تصویر کشیده شده است. قسمت تاق مانند سنگ قبر یا نمای فوقانی آن نیز، با تزئیناتی به صورت لوزی‌ها و خطوط متقاطع هندسی درون مربع‌های متوالی و کنار هم، زینت داده شده است. علاوه بر موارد مذکور، پشت سنگ قبر نیز دارای نقش است. بر پشت این سنگ قبر، درون سه دایره که یکی در مرکز و دو مورد دیگر به صورت قرینه در دو طرف آن واقع شده‌اند، نقوشی به صورت ستاره‌های ۱۲ ضلعی به نمایش درآمده است.



تصویر ۶: مقبره شیخ احمد کور در گورستان روستای گرد قبران بوکان (مأخذ:

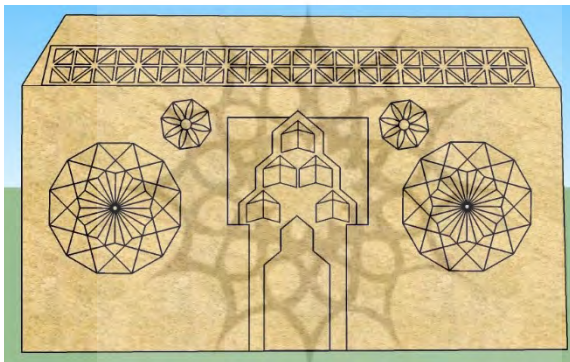
نگارندگان)

تاریخ‌گذاری سنگ قبر گهواره‌ای بوکان

در ارتباط با سنگ قبر موجود در مقبره سردار باید عنوان نمود که با توجه به



تصویر ۷: سنگ قبر مقبره شیخ احمد کور (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۴: نقش محراب و مقرنس با زوایای شکسته و دیگر نقوش بر روی سنگ قبر مقبره شیخ احمد (مأخذ: نگارندگان)

تاریخ نقر شده بر روی یکی از این سنگ قبرها یعنی سال ۶۹۴ هجری قمری، این آثار متعلق به دوره ایلخانی هستند. از طرف دیگر، حتی نقوش قرار گرفته بر روی این سنگ قبرها نیز به نوعی تعلق این آثار به دوران ایلخانان را به اثبات می‌رساند. از آن جمله نگاره ستاره یا نقوش هندسی محاط درون دایره این سنگ قبرها در نمونه‌هایی متعلق به عصر ایلخانی در منطقه آذربایجان دیده می‌شود. نقش ستاره محاط گشته درون دایره بر روی سنگ قبر مقبره اودلوی بیله سوار و بر روی سنگ قبر دیگری در شهرستان انار اردبیل قابل مشاهده است. مقبره اودلو جزو مقابر برجی شکل است که

در دوره ایلخانان در منطقه آذربایجان بنا نهاده شده و همچنین سنگ قبور گهواره‌ای انار نیز به قرون ۶ تا ۹ هجری منسوب گشته است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۳۴). علاوه بر این، کتیبه موجود بر روی سنگ قبر نیز درون طاق‌نمایی با زوایای شکسته قرار گرفته است که ساختار کلی این طاق‌نماهای شکسته، متعلق به عصر ایلخانی و از عناصر اصلی معماری این دوره خصوصاً در ناحیه آذربایجان می‌باشد که همین نقش بر روی سنگ قبر مقبره شیخ احمد کور نیز به‌نمایش درآمده است. بر خلاف مقبره سردار، در گورستان گرد قبران بر روی سنگ قبر درون مقبره، هیچ‌گونه کتیبه‌ای قرار نگرفته و همین مسئله نیز مانع از تاریخ‌گذاری مطلق آن شده است. اما با وجود این، از طریق فرم سنگ قبر و همچنین نقوش قرار گرفته بر روی آن تا حدودی می‌توان به زمان استفاده از گورستان و تاریخ ساخت این سنگ قبر دست یافت. شیخ احمد کور در دوره قاجاریه (افخمی، ۱۳۶۴: ۳۴۷-۳۵۲) وفات نموده و پس از مرگش، در گورستان گرد قبران دفن می‌شود و بر روی قبر وی، گنبدی کاه‌گلی ساده بنا می‌گردد. با نگاهی به فرم سنگ قبر قرار گرفته بر روی قبر شیخ احمد و همچنین نقوش قرار گرفته بر روی این سنگ قبر، می‌توان دریافت که این اثر به دوران قاجار تعلق نداشته، بلکه یقیناً اهالی روستا، سنگ قبر مذکور را از درون گورستان و جایی دیگر به درون مقبره انتقال داده‌اند. یکی از نقوش قرار بر روی این سنگ قبر نقش محرابی با تزئینات شبه مقرنس‌کاری است که بر روی اصلی سنگ قبر تراشیده شده است. این محراب‌کنده شده و مقرنس‌کاری درون آن به نوعی بازتابی از معماری دوره ایلخانی بر روی این سنگ قبر را نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم هنر و معماری ایلخانی هم جنبه جهانی و امپراطوری و هم جنبه محلی داشته است (ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۶). با نگاهی به معماری محلی مغولی یا ایلخانان در منطقه آذربایجان، متوجه خواهیم گشت که این شیوه تزئین سنگ قبور و ایجاد مقرنس مذکور، از ویژگی‌های مقابر و سنگ قبرها و بناهای دوره ایلخانی در منطقه بوده است. به‌لحاظ ظاهری مقرنس‌های به‌کار رفته در سنگ قبر مقبره شیخ احمد، قابل قیاس با نمونه‌های اجرا شده در میل‌ها و پایه میل‌های سنگ قبور گورستان شادباش مشایخ تبریز از دوره ایلخانی، سردر

گنبد غفاریه، پیش طاق ورودی مقبره شیخ حیدر (۷۳۱ ق) و همچنین مقرنس‌های حجاری شده بر روی سنگ قبرهای ایلخانی روستای النجق مرند و دیگر سنگ قبور گورستان‌های این منطقه است (تصاویر ۸-۱۲).



تصویر ۹: تزئین مقرنس کاری سنگ قبور دوره ایلخانی گورستان شادباش یا بینه شلوار تبریز (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۸: مقرنس کاری سر در ورودی گنبد غفاریه (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۱: مقرنس کاری سنگ قبر ایلخانی گورستان النجق مرند (مأخذ: مرادی، ۱۳۹۲)



تصویر ۱۰: مقرنس زیر کلاهک میل‌های دوره ایلخانی شادباش

علاوه بر قابل تطبیق بودن مقرنس روی سنگ قبر مقبره شیخ احمد گرد قبران، طاق‌نمای تزئینی با زوایای شکسته موجود بر روی این سنگ قبر و سنگ قبر مقبره



تصویر ۱۳: محراب مسجد
مزند (مأخذ: نگارندگان)

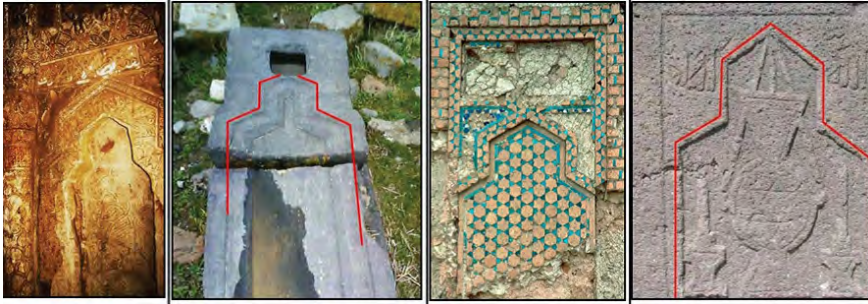


تصویر ۱۲: پیش‌طاق مقبره شیخ حیدر با تزئینات
مقرنس کاری مشابه سنگ قبر مقبره شیخ حیدر
(مأخذ: نگارندگان)

سردار نیز، با نمونه‌های موجود بر روی سنگ قبرها و بناهای متعلق به ادوار ایلخانی در منطقه قابل مقایسه است. بر روی سنگ قبر مقبره شیخ احمد و در زیر مقرنس کاری آن و همچنین بر رویه اصلی سنگ قبر مقبره سردار، طاق‌نمایی با زاویه‌های شکسته قرار گرفته که نمونه کاملاً مشابه این طاق‌نما در منطقه آذربایجان بر روی محراب دوره ایلخانی مسجد جامع مزند، سنگ قبرهای گورستان ایلخانی شاد باش مشایخ تبریز، سنگ قبور گورستان عصر ایلخانی روستای کوهول تبریز، طاق‌نمای زیر ایوان ورودی مسجد جامع ورامین، نغول‌های تزئینی سردر ورودی کاروان‌سرای دوره ایلخانی الاهی (مرادی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۶۱؛ تصاویر ۱۳-۱۵) و... مشاهده می‌شود.



تصویر ۱۴: ایوان ورودی مسجد ورامین
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۵: نمونه‌های مشابه طاق‌نمای تزئینی سنگ قبر گهواره‌ای گورستان گرد قبران؛ به ترتیب در سنگ قبرهای گورستان النجف مرند، سردر بنای الکی مرند، قبر صندوقی شادآباد تبریز و محراب جامع مرند (مأخذ: مرادی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۹)

بنابراین و با توجه به مقایسه‌های صورت گرفته، به‌طور یقین می‌توان گفت که سنگ قبر موجود در مقبره شیخ احمد کور و همچنین مقبره سردار متعلق به دوران مغول بوده و در این زمان، بر روی مزار مردگان به صورت یک سنت و فرهنگ قرار داده شده است.

نتیجه

در میان سایر آثار هنری دوران اسلامی، سنگ قبرها، با توجه به اینکه در ارتباط با مبانی اعتقادی و فرهنگی جوامع سازندگان آن بوده از نظر شکل ظاهری و نقش‌اندازی و تنوع نقوش در نوع خود بی‌نظیرند. باید عنوان نمود که ارتباط خاص انسان با سنگ قبور موجب اهمیت آن و تبدیل آن به بستری برای به‌تصویر درآوردن افکارش شده است. مطالعه و بررسی انجام شده پیرامون سنگ قبور دوران اسلامی ایران اثبات می‌کند که این سنگ‌قبرها دارای اشکال متنوع و نقوش فرعی متنوعی شامل تصاویر انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی و خط و کتیبه است. این نقوش و این فرم‌ها در سنگ قبرها، حالتی نمادین و ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران زمین دارند و متأثر از فرهنگ منطقه، اعتقادات و موقعیت زمانی و مکانی خود هستند. در میان سایر فرم‌ها یا اشکال سنگ قبور گورستان‌های دوران اسلامی ایران، یکی از زیباترین آن‌ها سنگ قبرهای

نوع گهواره‌ای شکل می‌باشد. این گروه از سنگ‌قبرها علاوه بر این که شکلی زیبا دارند، تشابه فرمی آن‌ها با گهواره یا مهد بار معناشناختی آن‌ها را بیشتر نموده و به نوعی، قرارگیری آن‌ها بر روی مزارات را نیز قابل تفهیم‌تر می‌نماید. گهواره در میان مردمان باستان در واقع نمادی از زندگانی تازه محسوب می‌گردد. حضور سنگ‌قبر نوع گهواره‌ای در گورستان‌های دوره اسلامی ایران، می‌تواند نمادی از رسیدن به آرامش و به خواب رفتن ابدی باشد. روح مومن با قرار گرفتن در گور و رفتن به پیشگاه الهی به سر منزل نهایی و آسودگی کامل دست پیدا می‌کند. خوش‌بخت‌گشتن و معصومیت از دیگر معانی نهفته‌ای است که برای سنگ‌قبر نوع گهواره‌ای می‌توان در نظر گرفت که بر این اساس می‌توان گفت که شخص متوفی‌ای که سنگ‌گهواره بر روی قبر وی قرار گرفته است، به‌سان نوزاد کوچکی بوده که هیچ‌گناهی از وی سر نزنده و دارای معصومیت کاملی می‌باشد. به‌طور کلی تمامی معانی معصومیت، پاکی، بی‌گناهی، عفت و... را می‌توان برای معناشناسی سنگ‌قبرهای نوع گهواره‌ای در گورستان‌های دوره اسلامی در نظر گرفت. مطالعه و بررسی بر روی سه سنگ‌قبر گهواره‌ای بوکان نشان داد که هر سه مورد از این سنگ‌قبرهای با توجه به فرم کلی، کتیبه و نقوش قرار گرفته بر روی بدنه آن‌ها متعلق به دوران ایلخانی هستند. به‌طور کلی ویژگی‌های ساختاری و تزئینی این سنگ‌قبرها قابل مقایسه با سنگ‌قبر و تزئینات معماری بناهای متعلق به عصر ایلخانان در سایر نواحی، خصوصاً در منطقه آذربایجان است.

منابع

افخمی، ابراهیم، (۱۳۶۴)، تاریخ فرهنگ و ادب مکریان بوکان، سقز: محمدی.
الیاده، میرچا، (۱۳۸۴)، اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.

خضری، سعید، (۱۳۷۹)، جغرافیای طبیعی کردستان موکریان، تهران: ناقوس.
داوودی، داود و دیگران، (۱۳۹۰)، «گزارش مقدماتی فصل‌های اول و دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان الشتر، لرستان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی

- مدرس، دوره ۲ و ۳، شماره ۴ و ۵، صص ۹۶-۱۱۵.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رجایی عبوی، سهیلا و وفایی، شهربانو، (۱۳۸۸)، *کتیبه‌های اسلامی گرگان: سنگ نوشته‌ها و یادمان‌های چوبی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- روژبیانی، محمد جمیل، (۱۳۸۱)، *فرمانروایی مکریان در کردستان*، ترجمه شهباز محسنی، تهران: آنا.
- رهنما، محمد رحیم و معروفی، ایوب، (۱۳۹۳)، «تحلیل و بررسی سناریوهای توسعه فضایی: کالبدی شهر بوکان»، *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- شمشادی، رضوان و حسینی دستجردی، سید مجید، (۱۳۹۶)، «نقش و تأثیر باورها و نمادهای آیینی در شکل‌گیری زیگورات چغازنبیل»، *پژوهش در هنر و علوم انسانی*، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۰۳-۱۱۶.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، (۱۳۷۴)، «کتیبه‌های کوفی کازرون»، *وقف میراث جاویدان*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۲۹.
- طباطبایی، سید جمال، (۱۳۸۷)، *آثار باستانی اردبیل*، تبریز: مهد آزادی.
- فرزین، علیرضا، (۱۳۸۴)، *گورنگاره‌های لرستان*، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی.
- کاشانی، عزالدین محمود بن علی، (۱۳۶۷)، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.
- مرادی، امین و عمرانی، بهروز، (۱۳۹۳)، «پژوهشی در بازشناسی تاریخی و تزئینات کاروان‌سرای آلاکی»، *باغ نظر*، دوره ۱۱، شماره ۲۸، صص ۳-۱۴.
- موحد، علی و دیگران، (۱۳۹۴)، «بررسی کارکرد فضاهای عمومی شهری و نقش آن در توسعه پایدار اجتماعی: مورد مطالعه شهر بوکان»، *توسعه محلی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۲.
- موسوی کوهپیر، سید مهدی و دیگران، (۱۳۹۴)، «سنگ‌های مزار، نمودی از وحدت مذاهب مختلف اسلامی در ایران، گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و مطالعه آرایه‌های

سنگ مزارهای نوع گهواره‌ای»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳۳-۱۵۲.

نیکزاد، ذات‌الله و اسفرنجان‌کناری، عیسی، (۱۳۸۴)، «پژوهش معماری آرامگاه تاریخی حسن‌آباد یا سوگندبیجار: امامزاده عقیل»، سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به کوشش باقر آیت‌الله شیرازی، کرمان: ارگ‌بم. ویلبر، دونالد نیوتن، (۱۳۷۴)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یوسفی، حسن و گلمغانی‌زاده اصل، ملکه، (۱۳۸۹)، هنرهای شیعی در مجموعه تاریخی و فرهنگی شیخ‌صافی‌الدین، اردبیل: یاوران.

Chookali, S., (2007), *Political & Demographical Map of Mokryan of Kurdistan*, Stockholm: Kurdiska Institutet.

Taylor, T.F., (2002), *The Burial Soul: How Human Invited Death*, Boston: Beacon Press.